غیر بهائی
از
دیدگاه بهائی


بسم الله الرحمن الرحيم

غیر بهائی از دیدگاه بهائی

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

سایت بهائی پژوهی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵

غیر بهائی از دیدگاه بهائی ----- ۶

مشخصات کتاب ----- ۶

مقدمه ----- ۶

انسان بودن تمام بشر ----- ۶

روش برخوردی دیگر ----- ۶

زردشتی و بودایی ----- ۷

بابیان ----- ۷

دانشمند و یا جاهل ----- ۷

گرگان درنده و کلاب گزنده ----- ۸

بیانات جناب عبدالبها ----- ۸

گاو اما به شکل انسان ----- ۸

روش برخورد با مطرودین ----- ۸

روش برخورد با غیر بهاییان ----- ۹

شیعیان ----- ۹

محرومیت کسی که غیر بهاییان را انسان بداند ----- ۱۰

وظیفه ی منکرین ----- ۱۰

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ----- ۱۰

غیر بهائی از دیدگاه بهائی

مشخصات کتاب

بر گرفته از:

سایت بهائی پژوهی

مقدمه

یکی از مباحث جالب در آیین بهایی دیدگاه بهاییان به افراد بشر می باشد. بررسی این موضوع جوانب مهمی از این آیین را روشن می نماید. در این مقاله می خواهیم نظر آیین بهایی را در مورد افراد مختلف بشر و روش برخورد با آنان بررسی کنیم. بر این اساس در مورد آیین بودایی و برهمایی، افراد معتقد به آیین بابی، روش برخورد با طرد شدگان از بهاییان، شیعیان، عالمان، کسانی که این آیین را قبول نکرده اند و کسانی که با آن به مخالفت پرداخته اند را از دیدگاه رهبران بهایی بررسی خواهیم کرد.

انسان بودن تمام بشر

جناب عبدالبهاء در خطابات، جلد ۲، صفحه ی ۱۵۲ می فرماید: «جمیع بشر انسانند یعنی تاج انسانی زینت هر سری و خلعت موهبت زیور هر بری کـل بنـده ی او هسـتند» بنـابراین گفتـار جنـاب عباس افنـدی هیـچ تفاوتی میان انسانها نیست و هیـچ کس از جرگه ی انسـانیت خارج نیست!!! دین بهایی کل جامعه بشـری اعم از بهایی و غیر بهایی را انسان می دانـد!!! (بر اساس فرمایش پسـر بزگوار، جناب عبدالبهاء)

روش برخوردی دیگر

جناب بهاءالله فرموده انـد «اذن داده شـده احزاب عالم با یکدیگر به روح و ریحان معاشـرت نمایند عاشـروا یا قوم مع ادیان بالروح و الریحان» (بهاء الله، مجموعه الواح، ص ۱۱۷) این فرمایش گرانمایه حضرت بهاء را دوستان بهایی باید با آب طلا بنویسند: تناقض را در مظاهر الاهیه راه نبوده و نخواهـد بود حضـرت بهاء الله... تعالیم بدیعی تأسیس فرمود و فضائل عالم انسانی تأسیس کرد... (ثانیاً) وحدت عالم انسانی یعنی جمیع بشر کل مشمول الطاف جلیل اکبرند بندگان یک خداوندند و پرورده حضرت ربوبیت.

رحمت شامل کل است و تاج انسانی زینت هر سری

("خطابات عبدالبهاء، ج۱، ص ۳۰ و ۳۱")

حضـرت بهاء الله مانند آفتاب از شـرق ظاهر شد عَلَم وحدت عالم انسانی بلند فرمود چنان اقوام مختلفه را الفت داد که اگر شخصـی در مجامع آنها وارد شود نمی داند کدام مسیحی کدام مسلمان کدام یهودی کدام زردشتی است "

(خطابات عبدالبهاء، ج۲، ص ۶۶")

دشـمن را دوست بینیـد و اهرمن را ملائکه شـمارید جفاکار راماننـد وفادار به نهایت محبّت رفتار کنیـد و گرگان خونخوار را مانند غزالان ختن و ختا مسک معطّر به مشام رسانید "

(مکاتیب، ج۳، ص ۱۶۰)،

امـا کمی آن طرف تر، خود بر این همه دست و دلبـازی خرده گرفت و آن را ظلم به موجودات بی گنـاه قلمـداد کرد"؛ انسـان اکثر

گنه کارنـد و حیوان بی گناه البته بی‌گناهان را مرحمت بیشتر باید کرد و مهربانی بیشتر باید نمود مگر حیوانات مؤذیه را مثل گرگ خونخوار مثل مار گزنـده و سایر حیوانات مؤذیه چه که رحم به اینها ظلم به انسان و حیوانات دیگر است مثلاً اگر گرگی را رأفت و مهربانی نمائی این ظلم به گوسفند است یک گله گوسفند را از میان بردارد کلب عقور را اگر فرصت دهی هزار حیوان و انسان را سبب هلاک شود پس رأفت به حیوان درنده ظلم به حیوانات مظلومه است لهذا باید چاره آن را نمود ولکن به حیوانات مبارکه باید بی نهایت مهربانی نمود هرچه بیشتر بهتر "

(مکاتیب، ج۳، ص ۲۱۲ و ۲۱۳)

زردشتی و بودایی

در کتاب مکاتیب جناب عبدالبها جلد ۳ صفحه ۳۷۸ آمـده است: اما از جهت ادیان سائره در نصوص بهاءالله و کتب احبا مثل کتاب میرزا ابوالفضل ذکرحضـرت زردشت و حضـرت بودا و برهما و کانفیوشس مصرح است و همچنین در مکاتیب من در بدایت اساس حضـرت زردشت و حضـرت بودا بسـیار موافق ولی بعـد تحریف و تغییر یـافت. جـالب است که جناب عبـدالبها اساس دیانت بودا و زردشت را موافق با خود می دانند در حالیکه در مورد بودا مصرح و مسلم است که دین آسمانی نبوده است و این جای بسی تعجب است دینی که مدعی آسمانی بودن است اساس خود را با یک آیین غیر آسمانی یکی می داند! جالب تر اینکه هیچ یک از پیامبران گذشـته آیین بودا را تاییـد نکرده انـد و باید این سوال را از جناب عبدالبها پرسـید اگر به واقع اساس دین بودا موافق ادیان آسـمانی بود، و بودا پیامبر الهی بوده است چرا انبیای سـلف هیچ یک او را تایید نکرده اند؟ و سوال دیگر اینکه ایشان از کجا می‌دانسـتند که در ابتدا اساس این ادیان چه بوده که آن را موافق با خود می دانستند؟

بابیان

ایشـان در مورد بابیـان در مکاتیب جلد۳ صفحه ۱۱۴ این چنین بیـان کرده انـد: و فرقه‌ای در ایران الآـن عبارت از نفوس معـدوده‌ای هست که اینهـا را بـابی می گوینـد خود را نسبت به حضـرت باب می دهنـد ولی به کلی از حضـرت باب بی خبرنـد تعالیم خفیه‌ای دارنـد که به کلی مخالف تعالیم بهاءالله است و در ایران مردم می داننـد ولی چون باروپ آینـد تعالیم خویش را مخفی دارند تعالیم حضـرت بهاءالله را بر لسان راننـد زیرا می داننـد که تعالیم حضـرت بهاءالله نافـذ است لهـذا این تعالیم بهاءالله را به اسم خود شـهرت دهنـد امّا تعالیم خفیّه ایشان می گویند مسـتفاد از کتاب بیان است و کتاب بیان از حضـرت باب شـما چون ترجمه کتاب بیان که در ایران شـده به دست آرید به حقیقت پی می برید که تعالیم بهاءالله به کلی مباین تعالیم این فرقه است مبادا از این نکته غفلت کنید و اگر حقیقت را بیشتر تحرّی بخواهید از ایران اسـتفسار نمائید. نظرات جناب عبدالبها در مورد جناب باب و بابیان بسیار جالب توجه و خواندنی است: ۱. در ابتـدا ایشان ادعا می کننـد که افرادی که خود را بابی می داننـد به کلی از جناب باب بی خبرند! ۲. می گوید آنهـا تعـالیمی دارنـد که به کلی با تعالیم جناب بها مخالف است. ۳. تعـالیم بابیان را مسـتفاد از کتاب بیان جناب باب می داننـد. ۴. تعالیم جناب بها را به کلی مخالف و مباین با تعالیم جناب باب می دانند.

دانشمند و یا جاهل

جناب بها در اقتـدارات ص ۱۱۱ می فرمایـد: گر مرد دانشـمندی در تصدیق امر توقف کند جاهل محسوب می شود. بنابراین ملاک علم وجهل در بهائیت تصدیق یا عدم تصدیق امر می باشد!

گرگان درنده و کلاب گزنده

جناب عبدالبها در جلد سوم مکاتیب صفحه ۱۲۳ فرموده اند: و امّا پیروان مذهب قدیم که بر تعالیم و تقالید عتیقه باقی و برقرار ماندند روز به روز بر جهل و نادانی افزودند به قسمی که گرگان درنده گشتند و کلاب گزنده شدند در خونخوارگی از سباع ضاریه و ذئاب کاسره گوی سبقت ربودند و بنای تعرّض به این نفوس مبارکه گذاشتند هر روز فتنه‌ای بر پا نمودند و هر ساعت ستمی آغاز کردند هر وقتی آتش فساد برافروختند و پاکان را به نار حقد و حسد بسوختند سرها به نیزه نمودند و به اطفال ستیزه کردند مال و منال تالان نمودند و خانه و کاشانه تاراج کردند اطفال و نسوان از وطن اخراج نمودند عزیزان ذلیل گشتند امیران فقیر شدند نازنینان اسیر گشتند.

بیانات جناب عبدالبها

۱- اگر کسی پیرو مذهبی قدیمی باقی بماند و نخواهد دین و مذهبش را عوض کند روز به روز بر جهل و نادانی اش افزوده می گردد. ۲- این فرد همچون گرگان درنده خو به وحشی گری و قتل و غارت می پردازد و اینها تماماً به خاطر عقایدش می باشد چون او دارد از یک سری اعتقادات قدیمی تقلید و پیروی می کند. بهائیان می گویند دیگر در آیین شان تقلید جایز نیست. البته اگر این طور بود و در واقعیت هم در آیین بهایی تقلید وجود نداشت این ادعایشان درست بود ولی باید ببینیم که اولاً تقلید به چه معنی است در دین مبین اسلام در یک سری احکام اجرایی به اصطلاح مسلمانان تقلید می کنند و این به این معناست که در آن حکم به شکلی که در متن حکم آمده عمل می کنند و هر کس از جانب خودش نظری نمی دهد مثلاً اگر در حکم آمده است که نماز صبح دو رکعت و نماز ظهر چهار رکعت است همه از این امر اطاعت می کنند و این امور را بر طبق دستورات انجام می دهند و این می شود معنای تقلید. در ظاهر آیین بهایی امر تقلید به کلی نهی شده است ولی در باطن این طور نیست و کلی احکام و دستورات دارند که همه به ناچار باید از آن تبعیت کنند و کتاب اقدس که مهمترین کتاب آنها می باشد در مقام بیان احکام نازل شده است و همه بهائیان باید از آن اطاعت کنند حال باید پرسید آیا اطاعت از احکام و دستورات اقدس تقلید محسوب نمی شود؟ در مقام شعار و ادعا جناب عبدالبها تقلید را مذموم می دانند ولی کنه سخن ایشان این است که همه پیروان ادیان قدیم گمراه هستند و هر روز هم گمراه تر می شوند و تنها در صورتی نجات می یابند که تمامی اهل عالم بهایی شوند و از اوامر و دستورات او اطاعت کنند.

گاو اما به شکل انسان

در اوائل قرن بیستم، جناب عبدالبهاء در سخنرانی خود، در مقام تعریف و تمجید از سیاهان آمریکایی و مقایسه‌ی آنان با سیاهان آفریقایی، چنین افاضه می‌کنند": مثلاً چه فرق است میان سیاهان افریک و سیاهان امریک اینها خلق الله البقر علی صورة البشرند آنان متمدن و باهوش و فرهنگ و حتی در این سفر در مجامع و مدارس و کنائس سیاهان در واشنگتن صحبت‌های مفصل شد، مانند هوشمندان اروپ به تمام نکته‌ها پی می‌برند (". خطابات بزرگ، ص ۱۱۹) بنابر فرمایش ایشان، سیاهان آفریقایی گاوهایی هستند که خداوند آن ها را به شکل آدم آفریده است.

روش برخورد با مطرودین

حال بد نیست که بدانیم بهائیان چگونه با مطرودین رفتار می کنند: «راجع به احبائی که به واسطه غفلت و نادانی از تشکیلات اداری

منفصل شوند سوال نموده بودید که آیا به محافل عمومی دعوت شوند یا خیر؟ فرمودند: دعوت آنان جایز نه و نسبت به کسانی که از جامعه امر منفصل شده اند آیا سلام و کلام با آنها جایز است یا نه؟ فرمودند اگر چنان چه انفصال روحانی است تکلم به هیچ وجه جائز نه.» توقیعات شوقی. سنه ۱۰۲–۱۰۹ ص ۹۴ در این نوشته به دو نوع طرد اشاره شده است. یکی طرد یا انفصال اداری، که به واسطه غفلت و نادانی است. و دوم طرد یا انفصال روحانی است. ۱– «در موضوع صادق فرزند آقا محمد جواد آشچی فرمودند بنویس این شخص بد اخلاق و پست فطرت اخیراً مخالف دستور این عبد مسافرت به فلسطین نموده و وارد ارض اقدس گشته، تلگرافی راجع به طرد و اخراج او از جامعه به آن محفل مخابره گردید به والدش صریحاً اظهار و انذار نمایند مخابره با او به هیچ وجه من الوجوه جائز نه، تمرد و مخالفت نتایجش وخیم است.» (شوقی افندی، توقیعات مبارکه، ص ۴۱) ۲– «در خصوص روحی غنی که از مشهد بدون اطلاع محفل مسافرت به آمریکا نموده فرمودند بنویس این شخص نیز نظر به مخالفت و انحرافش از جامعه منفصل، زیرا در انگلستان با پسر دهقان مرتبط و متفقاً به امریک مسافرت نموده اند» (همان کتاب، ص ۷۸) ۳– «هم چنین فرمودند: بنویس انفصال روحانی نصرت الله باهر، نظر به معاشرت با والده اش! لازم و واجب» (همان کتاب، ص ۷۹) ۴– «راجع به عزیمت پرویز پروانه به آمریکا فرمودند: بنویس با محفل ملی امریک در این خصوص مخابره گردید، انفصال روحانی او از جامعه نظر به مخالفت و انحرافش لازم و واجب.» (همان کتاب، ص ۷۸)

روش برخورد با غیر بهاییان

مدارکی که در ذیل می بینید دستورهایی است صریح که معاشرت نمودن با غیر بهائیان را جایز نمی داند: ۱.«باید از معرضین در کل شئون اعراض نماییم و در آنی مؤانست و مجالست را جایز ندانیم که قسم به خدا که انفس خبیثه انفس طیبه را می گدازد چنان که نار حطب یابسه را و حر ثلج بارده را» (بهاءالله، مائده، ج ۸، مطلب ۵۳) ۲. «با نفوس معرض که اعراضشان ظاهر شده معاشرت و تکلم و ملاقات جایز نه، هذا حکم قد نزل من سماء آمر قدیم» (بهاء الله، مائده آسمانی، ج ۸، ص ۷۴ چاپ جدید، باب معاشرت با معرضین جایز نه.)

شیعیان

ناگفته نماند که ایشان شیعیان مسلمان را هم جزء مشرکین می دانند. چنان که در ص ۱۴۰ مائده ج ۴ و نیز رحیق مختوم ص ۵۹۵ آمده است: «لعمرالله حزب شیعه از مشرکین از قلم اعلی در صحیفه حمرا مذکور و مسطور".» إعلم بأن الله حرّم علی احباء الله لقاء المشرکین و المنافقین، بدان که خدا بر احبایش دیدار با مشرکین و منافقین را حرام کرده است ("مائده آسمانی، ج۴، ص ۲۸۰) غیر بهاییان نزد خداوند، بی نام و نشان و حیوان بودن حضرت بهاء الله گوش جان بسپارند که ایشان در کتاب بدیع صفحه ۲۱۳ نوشته است: «نفوسی که از امر بدیع معرضند از رداء اسمیه و صفتیه محروم و کل از بهائم بین یدی الله محشور و مذکور» معنای عبارت فوق این است که اگر کسی از بهائیت روی بتابد فی الفور اسم و وصفش را از دست خواهد داد (ماهیتش مجهول خواهد شد) معلوم نیست که او چه موجودی خواهد گردید اما قدر مسلم آن است که در نزد پروردگار از حیوانات مذکور و محشور خواهد بود. آنچه مسلم و روشن است این است که در کتب معتبر بهایی به کرات به این مساله اشاره شده است که فقط و فقط بهائیان هستند که در میان انسانها دارای ارزش و اعتبار هستند و برای سایر اقوام و پیروان سایر ادیان شئوناتی را بیان کرده اند که از یک طرف یک نوع بی ادبی و توهین محسوب می شود و از طرف دیگر با تمامی سخنان حضرات در خصوص وحدت عالم انسانی منافات دارد و بیانگر این مطلب است که جامعه بهائیت به اصول و تعالیم دین خود پایبند نیست و تنها آنها را در حد یک شعار بیان می نماید، بلکه رفتاری متضاد آنها دارد.

محرومیت کسی که غیر بهاییان را انسان بداند

حضرت بهاءالله در کتاب بدیع، صفحه ی ۱۴۰ می نوسید: «الیوم هر نفسی بر احدی از معرضین من اعلاهم او من ادناهم ذکر انسانیت نماید، از جمیع فیوضات رحمانی محروم است تا چه رسد که بخواهد از برای آن نفوس اثبات رتبه و مقام نماید» ملاحظه می فرمایید که جناب بهاءالله نه تنها غیر بهائیان را از دایره انسانیت خارج می داند، بلکه به فتوای ایشان هرکس که آنها را آدم بداند، او نیز از جمیع فیوضات رحمانی محروم است ۳-پدر بزرگوار (حضرت بهاءالله) فرزند خود (جناب عبدالبهاء) را از کلیه ی فیوضات رحمانی محروم ساخته است چون عبدالبهاء برخلاف نظر پدر، برای غیر بهائیان رتبه ی انسانیت قائل شده است. ۴-شاید به بحث این تاپیک مربوط نباشد، ولی به نظر شما تکلیف وحدت عالم انسانی چه می شود؟

وظیفه ی منکرین

ایشان در مورد چنین می فرمایند: جناب بهاءالله کسانی که امر را نپذیرند و دشمنی ایشان را در دل داشته باشد در مورد منکرین خویش چنین فرموده اند: من ینکر هذا الفضل الظاهر المتعالی المنیر ینبغی له بان یسئل عن امه حاله فسوف یرجع الی اسفل الجحیم. گنج شایگان صفحه ۷۸ و مائده آسمانی جلد۴ صفحه۳۵۵ باب یازدهم: منکرین امرالله یعنی هر کس که این فضل ظاهر متعالی منیر را انکار کند شایسته است برای او که حالش را از مادرش بپرسد پس به پایین جهنم خواهد رفت. چیزی که از این جمله دانسته می شود این است که منکرین ایشان حلال زاده نیستند و این چنین حالشان معلوم است؛ همان طور که در صفحه ی بعد در کتاب گنج شایگان تصریح شده است که: قل من کان فی قلبه بغض هذا الغلام (بهاء) فقد دخل الشیطان علی فراش امه بگو هرکس در قلبش دشمنی این غلام (بهاءالله) را داشته باشد قطعاً شیطان در بستر و رختخواب مادرش رفته است. همان طور که می بینیم، بنا بر آن چه که ایشان فرموده اند، تمامی منکران ایشان حالشان معلوم است! این سخن ایشان برای ما و برای بهاییان بسیار کارگشا می باشد و مطالب بسیاری را برای ما روشن می نماید. وقتی که بیشتر به این جمله می اندیشیم، به این فکر می افتیم که: ۱. آیا جناب میرزا یحیی، صبح ازل، هم که منکر ایشان شدند همین حال را دارد؟ ۲. آیا خواهر جناب بهاءالله، عزیه خانم، هم که منکر ایشان شدند همین حال را دارد؟ ۳. آیا جناب محمدعلی برادر جناب عبدالبها هم که منکر ایشان شدند و بین آنها دعوا رخ داد نیز همین حال را دارد؟ ۴. آیا تمام بابیان که منکر ایشان شدند همین حال را دارند؟ ۵. آیا تمام شیخیه و تمام مسلمانان که منکر ایشان و بهاییت شدند همین حال را دارند؟ ۶. آیا این روش گفتار ایشان با آن چه که ایشان در مجموعه الواح، صفحه ۲۵۶ فرموده اند که «بگو ای دوستان، سراپرده یگانگی بلند شد به چشم بیگانه یکدیگر را نبینید؛ همه بار یک دارید و برگ یک شاخسار» قابل جمع می باشد؟

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در

دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی

جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج – به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
اصفهان
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹